



غزلیات ترکی حکیم فضولی

(تصحیح اجتہادی فرمان فرضی)

(زنبد شیدا ۲)

www.ketab.ir

تصحیح، تحشیه و مقدمه
فرمان فرضی





سرشناسه: فضولی بغدادی، محمد بن سلیمان ۹۹۱۳-۹۹۷۶ ق.
 عنوان و نام پدیدآور: غزلیات ترکی حکیم فضولی تصحیح اجتهادی فرمان فرضی
 (رند شیدا ۲) / تصحیح، تحشیه و مقدمه فرمان فرضی مولان.
 مشخصات نشر: تبریز: طبع دانش: انتشارات آیین دادرسی، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: ۳۷۲ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۳۲-۸۱-۷
 وضعیت فهرست نویسی: قیفا
 یادداشت: ترکی.
 یادداشت: کتاب حاضر مقدمه‌ی فارسی دارد.
 موضوع: شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱۰ ق.
 ۱۶th century -- Turkish poetry -- Iran
 شاسه افزوده: فرضی مولان، فرمان، ۱۳۵۹ - مصحح
 رده بندی کنگره: PL۳۱۴
 رده بندی دیوبی: ۸۹۴/۳۶۱۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۴۷۶۳۱

غزلیات ترکی حکیم فضولی

(تصحیح اجتهادی فرمان فرضی)

تصحیح و تحشیه: فرمان فرضی

ناشر: انتشارات آیین دادرسی

طراح گرافیک: رضا غفاری

اندیت: سعید موغانلی

چاپ اول/ تیریز / ۱۴۰۰

قطع: وزیری / تیراز: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۳۲-۸۱-۷

قیمت: ۱۲۲۰۰۰ تومان

چاپ: آذرآبادگان





بهگزینی نسخه بدل در تصحیح اجتهادی متون کلاسیک

دکتر حسین محمدزاده صدیق

مقدمه

اگر اکنون نسخه‌ی دستنویس خود فضولی در دست می‌بود، فنی به نام «تصحیح دیوان فضولی» نداشتیم و از آن جا که چنین نسخه‌ای تا حال به دست نیامده است، همه در تلاش هستیم تا به شبیه‌ترین روایت به دستنویس اصلی را بازسازی کنیم. زیرا حاصل کار استنساخ کنندگان دیوان در موارد مختلف تفاوت‌هایی با هم دارند. یعنی نسخه‌های زیادی از روی دستنویس اصلی تهیه شده و دیگر کاتبان نیز از روی آن نسخه‌ها کتابت کرده‌اند و این کار تا عصر ما ادامه داشته است. در کار هر کاتب و مستنسخ که به نسخه‌برداری می‌پرداخته به هر دلیلی تفاوت‌هایی راه می‌یافت. یا او به سلیقه‌ی شخصی خود کلمه و کلماتی را عوض می‌کرد، بیت یا ابیاتی از یک غزل را حذف می‌نمود و یا بیت و یا ابیاتی به غزل می‌افزود، یا به سبب کم‌سوادی به درک معانی کلمات دست نمی‌یافت و لفظ غلط خود خوانده‌اش را جایگزین لغت اصلی می‌کرد و... در این جا مراد من از «تصحیح متون و نسخه خطی و چاپی»، غلط‌گیری و اصلاح سهو و اشتباهات انشایی و املائی کاتب نیست، بلکه تهیه کردن و ایجاد نسخه‌ای جدید است که با اتکاء به داده‌های سبک‌شناسی ادبی و رفع دستبردهای عامدانه و غیرعامدانه مستنسخان، عین دستنویس اصلی و یا حداقل نزدیک به آن تهیه گردد.

پیشینه ی تصحیح انتقادی

در اروپا در نظریه‌های تصحیح متون ادبی (text criticism)، روشی با نام روش لاخمان منسوب به کارل لاخمان^۱ معروف شده‌است. در این روش، مصحح نسخه‌ی خطی، نخست به گردآوری شواهد و دسته‌بندی آنها (recension) می‌پردازد. یعنی نسخه‌های موجود از یک دیوان را براساس انواع سهوهای نوشتاری نوع‌بندی و گروه‌سازی می‌کند. یعنی تعیین اغلاطی که نسخه بدل‌ها و واریانت (variant)‌های شبیه هم را از یکدیگر جدا می‌سازد. یعنی مصحح براساس تعداد و مقدار اختلاف‌های نسخه‌ها با توجه به ارزش کیفی، زمانی و نگارشی هر نسخه، آنها را تفکیک و گروه‌بندی می‌کند.

وی در تصحیح کتاب مقدس براساس سنجش اختلافات و اغلاط موجود در نسخه‌ها، متون مختلف را مثلاً به صورت گروه سپس تیره، سپس طائفه و سپس ملت درآورد و نسخه‌هایی را که از روی یک نسخه استنساخ شده است تفکیک و جداسازی کرد و نام نسخه‌های غیرمستقل و کپی شده، بر آنها گذاشت و در مرحله‌ی استفاده، به عنوان شواهد فرعی و بهره‌برداری گزینشی و گهگاهی قرار داد این کنش علمی را گروه‌سازی نام داده‌اند.

تصحیح دیوان شعر

در میان نسخه‌های خطی یک دیوان، نسخه‌ای که با نظارت خود مؤلف و یا در روزگار او و با اطلاع وی استنساخ شده باشد، معمولاً یافت نمی‌شود و این حال، بسیار نادر است. یعنی جز مواردی نادر، چنین نسخه‌ای به دست ما نرسیده است. دیوان فضولی هم از این قاعده مستثنا نیست. این نسخه را «نسخه‌ی غایب» می‌نامیم یعنی نسخه‌ی منقول‌عنها یا نسخه‌ی مادر (archetype) که خود می‌تواند نسخه‌های مکرر فرعی (hyparche) داشته باشد، که خوانش‌های آنها اغلب در تهیه متن انتقادی نادیده گرفته می‌شود، و پس از گروه‌سازی باید زیر تیغ تصحیح قرار گیرد.

تصحیح دیوان را من به گونه‌های زیر تقسیم می‌کنم:

تصحیح انتقادی (edition critique) و آن زمانی صورت می‌گیرد که چند نسخه (نه یک نسخ) از یک اثر موجود باشد - مصحح نسخه‌ای را به عنوان نسخه‌ی اساس می‌پذیرد و اختلافات نسخ، همگی را به عنوان نسخه بدل به پاورقی می‌دهد. این جا ذوق و اجتهاد نقشی در کار مصحح ندارد. مانند شاهنامه چاپ مسکو و تصحیح‌های وحید دستگردی از خمسه نظامی گنجوی و تصحیح جهانگیر قهرمان‌اف از دیوان نسیمی.

تصحیح چینشی و آن بدین گونه است که مصحح گرچه به نسخه‌ی اساسی اعتماد دارد، اما همیشه و در همه جا ضبط آن را ارجح نمی‌شمارد و با توجه به همه‌ی نسخه‌ها و چینش صحیح و اصح از همه‌ی آنها متنی منقح را تهیه می‌کند و در این کار این ذوق و اجتهاد به یاریش می‌شتابد. مانند آن چه من در تصحیح دیوان ترکی نباتی و دیوان عاجز گرمه‌رودی انجام داده‌ام.

تصحیح سنجهای و آن چنین است که مصحح با سنجش و قیاس از شیوه‌ی نگارش صاحب اثر، مشکلات پیش آمده را با تکیه به ذوق و اجتهاد خود رفع می‌کند و گاهی به افزایش و کاهش الفاظ و جملات نیز می‌پردازد. مصححان ترکیه هر گونه افزوده را با نشانه‌ی بملاوه + و کاهش را با نشانه‌ی منها - در پاورقی مشخص می‌کنند. ولی در ایران تاکنون رسم بر این بوده است که افزوده‌ها را داخل دو چنگک [] و کاسته‌ها را در نشانه‌ی < > بیاورند.

تصحیح خوانشی، این گونه تصحیح همان شیوه‌ی سنجهای است با این تفاوت که مصحح ذوق و اجتهاد خود را به کار نمی‌گیرد و فقط خواناترین نسخه بدل را در متن وارد می‌کند و به همین دلیل نیز آن را «بی‌ارزش‌ترین شیوه» دانسته‌اند. مانند تصحیح عبدالعظیم قریب از کليلة و دمنه.

تصحیح تکثیری (facsimile) زمانی اتفاق می‌افتد که به سبب دشواری متن و یا به هر دلیل دیگر، مصحح جرأت تصحیح انتقادی یا اجتهادی به خود ندهد و فقط از متن مورد نظر تصویر و کپی تهیه کند و آن را تکثیر نماید و موارد اصلاحی و نقطه نظرهای خود را بیرون از متن و جداگانه در مقدمه یا تعلیقات ذکر کند. مانند متن تکثیری سنگلاخ که جرارد کلاوزن (clauson) نسخه‌ی خطی آن را به صورت فاکسیمیله تکثیر کرد و نکات مفید دستوری، املائی، ریشه‌یابی لغات و غیره را جداگانه آورد.^۲

تصحیح اجتهادی: همان گونه که گفتم و نشان دادم مصحح مسلط به دقایق و ظرایف متن مورد تصحیح، در همه‌ی موارد شیوه‌های فوق به جز تصحیح انتقادی صرف و تصحیح تکثیری از شم ذوق و اجتهاد باید برخوردار باشد. اما وقتی همه قواعد تصحیح‌های انتقادی، چینه‌ای، سنجهای و جز آن را نادیده می‌گیرد و فقط به ذوق و سلیقه و توان علمی عشق خود به اثر و مؤلف آن دست به فرا تصحیح می‌زند که آن را شیوه‌ی اجتهادی می‌نامیم.

۲. میرزا مهدیخان استرآبادی. فرهنگ ترکی به فارسی سنگلاخ، تصحیح ح. م. صدیق. انتشارات اختر، ۱۳۹۵، ج ۳، مقدمه.

البته به نظر می‌رسد استفاده از همه‌ی این گونه‌ها، در تصحیح متن کلاسیک لازم است و دخالت دارد. هیچ‌یک از آنها را نمی‌توان معطل و منفول گذاشت. در میان گونه‌های تصحیح، تصحیح سنجهای یا قیاسی زمانی کاربرد دارد که مثلاً از دیوان فصولی تنها یک نسخه به دست بیاید که آن را یگانه واریانت م‌نامند. و تصحیح قیاسی زمانی صورت می‌گیرد که نیازی به انجام مرحله‌ی نخست یعنی نوع‌بندی و گروه‌سازی نباشد. در این حالت، مصحح با تکیه بر دانش و آگاهی‌های ادبی و زبانشناسی خود و با آمیزه‌ای از اجتهاد ادبی، به تصحیح می‌پردازد و خوانش‌های عمدتاً نادرست را تشخیص می‌دهد و در پاورقی صورت‌های صحیح آنها را که حدس زده است می‌آورد. اما در تصحیح‌های دیگر، مصحح باید نخست «نسخه‌ی اساس» را تعیین کند یعنی «بهترین نسخه» که در مرحله‌ی نخست یعنی در گروه‌سازی آن را تعیین کرده و کنار گذاشته است معمولاً نسخه‌ای را «نسخه‌ی اساس» قرار می‌دهند که به اعتبار زمانی اقدم نسخ باشد. اما همیشه کهن‌ترین نسخه، قابل اعتمادترین نسخه نیست. زیرا شاید از نظر کیفی بی‌اهمیت است. به هر حال مصحح با توجه به شَم و دانش نسخه شناسی خود، باید چنین نسخه‌ای را بازشناسی کند و یا چند نسخه را نسخه‌ی معتبر به حساب بیاورد. پس از تعیین نسخه‌ی اساس، ضبط‌های متفاوت نسخه‌های دیگر را با آن می‌سنجد و به شیوه‌ی چینی، نسخه‌ی علمی خود را تهیه می‌کند. مصحح در این جا در یک بیت شاید با چند ضبط مواجه شود. اگر ضبطی بی‌معنی باشد، آن را کنار می‌گذارد. اما همیشه این طور نیست، زیرا همه‌ی ضبط‌ها با اغلب آنها به وجهی معنادار هستند. معتبر دانستن یک ضبط بر ضبط‌های دیگر «اجتهاد علمی» و «ذوق سالم» می‌طلبد. مصحح باید در تصحیح، ضبط ترجیحی خود را در متن و ضبط‌های دیگر را در پاورقی قرار دهد به گونه‌ای مخاطب و خواننده احساس کند که همه‌ی نسخه‌ها را زیر دست دارد. تا خود نیز صاحب اختیار در به‌گزینی باشد. این شیوه را نخستین بار هلموت ریتز^۳ ابداع کرد. او، سالها در دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول، اداره‌ی گروه «ادبیات جهان اسلام» را برعهده داشت و مرحومان احمد آتش و نیز تحسین یازیجی - که استاد متن پژوهی این جانب هم بود - از شاگردان اسبق ریتز بودند. و پس از ریتز مدیریت گروه مزبور را به دست گرفتند. شیوه‌ی ریتز را شیوه‌ی سازواره‌ی انتقادی (apparatus criticus) می‌نامند. وی برای اولین بار کتاب سوانح العشاق اثر احمد غزالی را به این شیوه تصحیح و چاپ کرد.

استاد مرحوم تحسین یازیجی در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ به هنگام تلمذ

این جانب در محضرشان، کتاب مناقب گلشنی را با دستیاری نگارنده به عنوان تکلیف پروژه‌ی درسی این جانب و به شیوه‌ی ریتتر تصحیح کردند و ترجمه‌ی مقدمه‌ی ترکی خود را هم به فارسی به عهده‌ی حقیر گذاشتند که از طریق انتشارات دانشگاه استانبول چاپ شد.

در تصحیح متون، دانش آموختگان روش ریتتر، نسبت به مصححان متون ادبی ایرانی خودمان در برخی جهات تفوق و برتری‌ها دارند. از جمله در نشان دادن افزایش‌ها و کاهش‌های موجود در هر نسخه با مقایسه و انطباق با نسخه‌ی اساس و به شکلی بسیار ساده و فرموله بهتر از ما ایرانی‌ها عمل می‌کنند. از این نظر تصحیح کتاب دو جلدی مناقب العارفين افلاکی توسط مرحوم تحسین یازیجی - که در ایران هم چاپ شد - قابل ذکر است.^۴

گونه‌های اختلافات نسخه‌ها

اختلافات موجود در ضبط کلمات و پیدایش نسخه بدل‌ها و واریانت‌ها به دلایل زیر تحقق می‌یابد:

خطاهای سهوی کاتبان ناکارآمد. احتمال وجود سهو و خطا در استنساخ اصلاً صفر نیست. به معنای جایز الخطا بودن انسان، این امر بسیار امکان‌پذیر است. تشابه کلمات، خطای چشم کاتب و... سبب خطاهای نگارشی می‌شود.

تغییرات آگاهانه و عامدانه. بسیار پیش آمده است که مستنسخان عمداً کلمه‌ای را تغییر می‌دهند. این حادثه حتی در روزگار ما هم اتفاق می‌افتد. مثلاً یکی از مدعیان تصحیح هوپ‌هوپ نامه اثر میرزا علی اکبر صابر در مصراع «هارداه مسلمان گورورم قورخورام»، عامدانه قید «هارداه» را تبدیل به «دار داه» کرد و انتشار داد.^۵

جهش نگاه از کلمه‌ای به یک کلمه‌ی دیگر به گونه‌ای که سبب اسقاط کلمه یا کلماتی بشود که علت آن گاه یکسانی حروف اول دو کلمه‌ی جهشی (homoeoarcton) و یا یکسانی حروف انجامه‌ی دو کلمه جهشی (homoeoteleuton) است.

اسقاط یک حرف یا یک کلمه (haplography/ liporaphy) به سبب تکرار که مستنسخ یکی از تکرار شده‌ها را ساقط می‌کند، در حالی که باید هر دو تا را بنویسد.

۴. افلاکی. مناقب العارفين، با تصحیح پرفسور دکتر تحسین یازیجی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۱.

۵. برای تفصیل رک. «دیوان اشعار میرزا علی اکبر صابر» به تصحیح نگارنده‌ی این سطور، ص ۱۷۳.